

ارزیابی میزان اختیار والدین در به کارگیری کودک در تولید محتوای مجازی از منظر فقه و نظام بین‌المللی حقوق بشر (بررسی موردی پدیده کودکان اینفلوئنسر)

مهدیه غنی زاده؛ استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران.

چکیده

امروزه به موازات گسترش شبکه‌های اجتماعی، پدیده کودکان اینفلوئنسر نیز رشد قابل توجهی یافته است. کودکانی که بدون اراده مستقل و تحت فرمان والدین خویش به تولید محتوا در عرصه دیجیتال مشغولند. اغلب این والدین با ادعای آنکه حضور کودک در فضای مجازی بیشتر جنبه تفریحی داشته و از سویی زمینه‌ای برای بروز و رشد استعدادهاى اوست، سعی در توجیه بهره‌گیری از کودک در این فضا را دارند. نظر بر آنکه مطابق با آموزه‌های فقهی و نظام بین‌المللی حقوق بشر هر نوع اقدام و تصمیمی در رابطه با کودک منوط به لحاظ مصالح عالیه اوست، پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی و تطبیقی درصدد بررسی میزان تطابق بهره‌گیری از کودک در جایگاه اینفلوئنسر با عناصر مصلحت مطروحه در فقه و نظام بین‌المللی حقوق بشر می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اولاً بهره‌گیری از کودک در جایگاه اینفلوئنسر، مصداق بارزی از استثمار و بهره‌کشی دیجیتال می‌باشد. ثانیاً در فقه این فعل، در تضاد با عناصر مصلحت کودک اعم از دفع مفسده، جلب منفعت و تأمین نیازهای مادی، معنوی و روحی کودک است. ثالثاً عمل مزبور با عناصر ارزیابی مصلحت که در اسناد بین‌المللی از آن یاد شده است نیز سازگاری ندارد. در نتیجه، بهره‌گیری از کودک در جایگاه اینفلوئنسر به منظور تولید محتوا هم از منظر فقه و هم از منظر نظام بین‌المللی حقوق بشر، فعلی، خارج از چارچوب قانونی اختیارات والدین تلقی شده و فاقد مشروعیت حقوقی است. این امر به نوبه خود، لزوم اتخاذ تدابیر قانونی را در سطح ملی و بین‌المللی در حمایت از کودکان اینفلوئنسر، اقتضا می‌نماید.

کلیدواژه‌گان: استثمار دیجیتال، فقه، کودک اینفلوئنسر، مصلحت، نظام بین‌المللی حقوق بشر.

۱- مقدمه

در سالهای اخیر با گسترش شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌ها، پدیده‌ای که با رشد روز مواجه گردیده است، پدیده کودکان اینفلوئنسر می‌باشد. مراد از این کودکان، کودکانی است که والدینشان آن‌ها را به عنوان ابزار اقتصادی یا تبلیغاتی در فضای مجازی به کار گرفته‌اند در حالی که خود کودک نقشی در تصمیم‌سازی ندارد. در عرف رسانه و مطابق شواهد موجود، چنین امری عمدتاً نسبت به کودکان زیر شش سال صورت می‌پذیرد (Tosuntas, & Griffiths, 2024; Altun, 2019). کودکان اینفلوئنسر با ظاهری آراسته تحت امر والدین خویش به ویژه مادر به تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی می‌پردازند. در این نوع فعالیت، والد-کارفرما، کودک را بدون آنکه ادراک صحیحی از ماهیت و تبعات کار خویش داشته باشد عمدتاً به منظور کسب درآمد یا شهرت و محبوبیت به تولید محتوا وامی‌دارد (کردبچه و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۲۲). با توجه به آنکه در رابطه با این کودکان، والدین، نقش کارفرما را اجرا می‌کنند، پرسش مهمی که در رابطه با آنان مطرح می‌شود، این است که چنین فعلی را تا چه میزان می‌توان در چارچوب اختیارات قانونی آنان جای داد؟ در وهله اول آنچه به نظر می‌آید این است که از سویی ممکن است به کار گماردن کودک در حوزه تولید محتوای مجازی از سوی والدین، نوعی مهارت‌پروری و در راستای تأمین مصالح کودک به شمار رود، اما از سوی دیگر، بررسی مصلحت‌آمیز بودن چنین اقدامی، نیاز به بررسی دقیق پیامدهای

آن دارد. به منظور پاسخ به این سوال، پژوهش حاضر به بررسی محدوده اختیارات والدین نسبت به کودک در فقه و نظام بین‌المللی حقوق بشر و میزان همخوانی فعل مزبور با مسئولیت قانونی آنان دارد.

در خصوص پیشینه پژوهش، اگرچه پژوهش مستقلی از حیث حقوقی، میزان قانونمندی فعالیت‌های کودک محور در فضای مجازی را مورد بررسی قرار نداده است، موارد مرتبط با بحث را می‌توان یافت. به عنوان نمونه در پژوهشی تحت عنوان «کار کودک در نظام حقوق خانواده ایران از منظر ایجابی و سلبی» (عباسی کلیمانی و همکاران، ۱۴۰۲)، نویسندگان با تمرکز بر اشتغال کودک در مشاغل فیزیکی مرسوم، در فرضی که کودک در فعالیتی مناسب، جهت آموزش و درآمدزایی به کار گمارده شود را مطابق مصلحت او به شمار آورده و در فرضی که فعالیتی برای کودک، مضر محسوب گردد، اشتغال کودک در آن را مفسده‌آمیز و ممنوع تلقی نموده است. این در حالی است که در خصوص فعالیت کودک در فضای مجازی، لازم است ابتدا پیامدهای چنین فعلی به نحو دقیق بررسی گردد و سپس بر مبنای ارزیابی مزبور، مصلحت‌آمیز یا مفسده‌آمیز بودن چنین فعالیتی تبیین گردد.

در پژوهش دیگر، تحت عنوان «حقوق شهروندی و منع اشتغال کودک به کار سخت و زیان‌بار» (علویان، ۱۳۹۷)، نویسنده بر این عقیده است که آموزش حقوق شهروندی و اجرای حقوق و تکالیف می‌تواند ظرفیتی ایجاد کند که در بستر جامعه علاوه بر قبیح دانستن کار کودک، عملکرد کارفرمایان نیز مورد ارزیابی واقع گردد.

در پژوهش دیگر، تحت عنوان «بررسی وضعیت کار کودکان در حقوق ایران از منظر ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر» (رحمتی‌فر، ۱۳۹۷)، نویسنده بر این عقیده است که راهکار مناسب در قبال کار کودک، ممنوعیت مطلق آن نیست، بلکه لازم است فعالیتی را ممنوع تلقی کرد که کودک را در وضعیت بردگی قرار می‌دهد.

وجه تمایز مقاله حاضر با تحقیقات صورت پذیرفته، تمرکز بر فعالیت مجازی کودکان اینفلوئنسر و ارزیابی مصلحت‌آمیز بودن آن و به تبع آن میزان قانونمند بودن این فعالیت از منظر فقه و نظام بین‌المللی حقوق بشر می‌باشد.

نکته‌ای که پیش از ورود به بحث، لازم است بدان پرداخته شود، تفاوت ماهوی میان کار کودک در فضای حقیقی و فعالیت‌های کودک محور در فضای مجازی است. از آن جهت که این دو نوع فعالیت ممکن است ظاهراً یکسان تلقی شوند و در نتیجه، به واسطه محکومیت عرفی و حقوقی کار فیزیکی، فعالیت‌های مجازی نیز به طور الحاقی و بدون بررسی دقیق محکوم انگاشته شوند؛ در این صورت پژوهش حاضر از منظر برخی خوانندگان، فاقد نوآوری شناخته شده و کم‌ثمر به نظر خواهد رسید. این در حالی است که این دو نوع فعالیت، اگرچه ممکن است از حیث هدف اقتصادی یا بهره‌گیری از توانایی‌های کودک مشابه به نظر برسند، اما فضای دیجیتال، به سبب ویژگی‌های ساختاری خود، شیوه‌های خاصی از تجاری‌سازی هویت کودک را پدید می‌آورد. لذا نمی‌توان بدون تحلیل ویژگی‌های این فضا، احکام و آثار کار کودک در محیط حقیقی را عیناً بر فعالیت‌های مجازی او تطبیق داد. از جمله مهمترین این تمایزات آن است که اولاً محتوای تولیدشده درباره کودک ممکن است دائمی،

قابل بازنشر و خارج از کنترل او باقی بماند. در بسیاری از فعالیت‌های سنتی، با پایان یافتن کار، دست کم امکان فاصله گرفتن کودک از محیط کار و محدود کردن آثار آن وجود دارد؛ اما در فضای مجازی، تصویر، صدا، رفتار، اظهارات و اطلاعات شخصی کودک ممکن است برای مدت نامحدود در دسترس عموم باقی بماند و بدون اطلاع یا رضایت او در صفحات و بسترهای دیگر بازنشر شود. بنابراین، آثار فعالیت مجازی الزاماً با پایان فیلم‌برداری یا توقف حساب کاربری خاتمه نمی‌یابد، بلکه می‌تواند در مراحل بعدی زندگی کودک نیز بر هویت، حریم خصوصی، روابط اجتماعی و آینده او اثر بگذارد.

ثانیاً در فعالیت‌های مجازی، موضوع بهره‌برداری غالباً صرفاً نیروی کار کودک نیست، بلکه خودِ هویت، تصویر، صدا، رفتار، احساسات و زندگی خصوصی او به موضوعی برای جذب مخاطب و تحصیل منفعت تبدیل می‌شود.

ثالثاً ماهیت سرگرم‌کننده ظاهری این فعالیت، شناسایی عنوان کار یا استعمار را دشوار می‌سازد. از این حیث، قابل توجهی از افکار عمومی، تولید محتوای خانوادگی با حضور کودک را در وهله اول به عنوان نمایش خانوادگی یا سرگرمی تلقی می‌کنند و آن را لزوماً آن در زمره کار کودک یا استعمار قرار نمی‌دهند (Conti & Paolucci, 2023; آقایی و رضانیا، ۱۳۹۸).

رابعاً تفاوت فعالیت مجازی با کار فیزیکی کودک در فضای حقیقی، در نوع آسیب‌های غالب نیز قابل مشاهده است. در فعالیت فیزیکی، اگرچه آسیب‌های روحی و تربیتی نیز محتمل است، مسئله اصلی در بسیاری از موارد، مخاطرات جسمی و تهدید سلامت بدنی کودک است. از این رو، ممکن است در فرض توانایی جسمی کودک، تناسب فعالیت با سن او و فقدان خطرهای جسمانی، برخی فعالیت‌های محدود با هدف آموزش، مهارت‌آموزی یا کسب درآمد، در شرایط خاص مطابق مصلحت کودک ارزیابی شود (عباسی کلیمانی و همکاران، ۱۴۰۱). در مقابل، در فعالیت کودک در فضای مجازی، بخش مهمی از آسیب‌ها ماهیتی روانی، هویتی، اجتماعی و شخصیتی دارد و ممکن است به تدریج و بدون نشانه‌های ظاهری آشکار شکل گیرد. بحران هویت ناشی از ایجاد تصویری از پیش‌ساخته و غیرواقعی، وابستگی به تأیید مخاطبان، اضطراب ناشی از تداوم تولید محتوا، کاهش احساس ارزشمندی، سلب فرصت تجربه طبیعی کودکی، از بین رفتن مرز میان زندگی خصوصی و فعالیت اقتصادی، و تبدیل شدن کودک به ابزار تجاری، از جمله پیامدهایی است که باید در ارزیابی مصلحت مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، نمی‌توان نبود آسیب جسمی آشکار یا سرگرم‌کننده بودن ظاهر فعالیت را دلیل کافی بر مصلحت‌آمیز بودن آن دانست.

بر این اساس، فضای مجازی نه تنها محل جدیدی برای انجام کار کودک، بلکه محیطی با سازوکارهای خاص تولید، ماندگاری، بازنشر و تجاری‌سازی هویت اوست. همین ویژگی‌ها ضرورت ارزیابی مستقل و دقیق این پدیده را توجیه می‌کند.

۲- محدوده حقوقی اختیارات والدین در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کودک

با توجه به آنکه در رابطه با کودکان اینفلوئنسر، فعالیت آنان تحت نظارت والدین و سرپرست ایشان می‌باشد و حتی فراتر از آن بنا به درخواست والدین، کودک به تولید محتوا می‌پردازد، لازم است که محدوده قانونی اختیار والدین در خصوص کودک و تصمیم‌گیری‌های مربوط به او مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود که آیا چنین اقدامی در محدوده قانونی اختیارات آنان

تعریف شده یا خیر. از این حیث با توجه به رویکرد تطبیقی پژوهش در ادامه، این بحث را به طور مجزا هم در فقه و هم در نظام بین‌المللی حقوق بشر مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۲- در فقه

کودکان به واسطه ضعف قوای ادراکی، اهلیت تصمیم‌گیری مستقل در امور خویش را ندارند؛ لذا در فقه، نهادهایی چون ولایت، قیمومت و حضانت در راستای حمایت از کودک توسط شخص کامل لحاظ گردیده است. به عنوان نمونه در بحث ولایت بر کودک، برخی از فقها به صراحت، غرض از تشریع ولایت را دفاع از حقوق کودک دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۸۵۲/۲)؛ از آن حیث که کودک نسبت به درک مصالح و مفاسد، عاجز می‌باشد (مراغی، ۱۴۱۷: ۵۹۹/۲) و اساساً حجر او نیز به سبب همین عجز و ناتوانی و به منظور حمایت از حقوق اوست (نجفی، بی تا: ۴/۲۶). آنگونه که در بحث حضانت کودک نیز برخی به صراحت، حضانت را نوعی حمایت از کودک به شمار آورده‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۷۶/۲۵). لذا از آنجا که تمامی این نهادها، حمایتی است و در راستای تأمین منافع و حقوق کودک، وجه اشتراک آنان را می‌توان در لزوم رعایت مصلحت کودک دانست. همانطور که فقها در خصوص ولایت بر کودک، این شرط را صراحتاً مطرح نموده‌اند (عاملی، ۱۴۱۰: ۱۴۳/۵؛ کرکی، ۱۴۱۴: ۱۱۲/۱۲) و در بحث حضانت نیز بر لحاظ مصلحت کودک از حیث تربیت و اصلاح شئون او تاکید گردیده است (مروج جزایری، ۱۴۱۶: ۸۹/۱).

در خصوص ماهیت مصلحت به نحو کلی، چند دیدگاه از سوی فقهای مسلمان مطرح گردیده است. برخی از آنان، مصلحت را امری می‌دانند که تأمین‌کننده نیازهای معنوی بشر می‌باشد (غزالی، ۱۴۱۳: ۱۷۴؛ خویی، ۱۴۱۹: ۴۰۵/۴) و در مقابل گروه دیگر، مصلحت را مفهومی عام، تلقی نموده‌اند که علاوه بر نیازهای معنوی، نیازهای مادی بشر را نیز پاسخگو می‌باشد (عوایشه، ۱۴۲۳: ۴۵۰/۲؛ حلی، ۱۴۰۳: ۲۲۱؛ نجفی، بی تا: ۳۴۴/۲۲). حال، زمانی که بخواهیم در خصوص مصلحت ملزمه در تصرفات ولی، قضاوت نماییم، قول بهتر آن است که مصلحت را مفهومی چند بعدی تلقی نماییم که به نحو توأمان نیازهای مادی، نیازهای معنوی و روحی کودک را در برمی‌گیرد (حلی، ۱۴۰۳: ۲۲۱؛ بوطی، ۱۳۸۵: ۳۶). یکی از ادله متقن که بر اثبات این امر می‌توان ارائه نمود، آیه شریفه ۱۵۲ سوره انعام «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» می‌باشد؛ از آن حیث که در آیه مزبور، عبارت «بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»، صرفاً جهات مالی را منظور نداشته بلکه متفاهم از آن مراعات حال یتیم و رعایت مصلحت او از جمیع جهات می‌باشد (خمینی، بی تا: ۷۱۰/۲؛ سبحانی، ۱۴۳۱: ۲۲۹/۲-۲۲۸). بنابراین رعایت همه جانبه مصلحت کودک اقتضای آن را دارد که ولی در اقدامات خویش، تأمین نیازهای مادی، معنوی و روحی کودک را به نحو توأمان مدنظر قرار دهد. علی‌الخصوص آنکه لحاظ یک بعد بدون بعد دیگر در بسیاری مواقع می‌تواند، عامل ایراد ضرر به کودک باشد، حال آنکه چنین اضرائی، مخالف با فلسفه ولایت بوده و مطابق قاعده لاضرر محکوم می‌باشد.

از سوی دیگر، در متون فقهی، مصلحت دارای دو جنبه سلبی و ایجابی است که در بعد ایجابی خود، جلب منفعت و در بعد سلبی، دفع ضرر و مفسده را به دنبال می آورد. حال، در میان فقها، در خصوص اینکه در اقدامات والدین و سرپرستان کودک کدام بعد از مصلحت، لازم است لحاظ گردد، اختلاف نظر می باشد؛ به نحوی که گروهی، ملاک را هر دو بعد مصلحت دانسته و بر این عقیده اند که اقدام والدین علاوه بر دفع مفسده باید جلب منفعت را هم شامل گردد (حلی، ۱۴۰۳: ۲۲۱؛ شاطبی، بی تا: ۱۰/۲). در مقابل، برخی از فقها، صرف عدم مفسده را در اقدامات والدین و سرپرستان کودک، کافی دانسته اند (نراقی، ۱۴۱۵: ۱۶۷/۱۶؛ حکیم، ۱۴۱۶: ۴۵۷/۱۴) و برخی دیگر، جلب منفعت را ملاک، اقدامات آنان قرار داده اند (مراغی، ۱۴۱۷: ۵۹۹/۲؛ کرکی، ۱۴۱۴: ۱۱۲/۱۲). به نظر، قول صحیح تر در این مسئله آن است که در اقدامات والدین و سرپرستان نسبت به کودک، مصلحت را اعم از دفع مفسده و جلب منفعت بدانیم؛ از آن حیث که اولاً جعل ولایت بر کودک به واسطه عجز او و در راستای ممانعت از اضرار او می باشد؛ لذا اقدام متضمن مفسده و ضرر از سوی ولی، خلاف مقتضای ولایت است. ثانیاً مطابق عموم قاعده لاضرر، ولی مجاز به اقدام مفسده آمیز نمی باشد (جباری و صابریان، ۱۳۹۳). در نتیجه شرط عدم مفسده، شرط ارتكازی در جواز اقدامات ولی به شمار می رود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۳۲/۲). اما در خصوص لزوم جلب منفعت، آنگونه که بیان شد، اولاً در شرع مقدس، سلطه و اقتدار والدین بر کودک در راستای حمایت از کودک و تأمین منافع و حقوق او تشریع گردیده است، بنابراین در اقدامات والدین صرف عدم مفسده کفایت نمی کند، بلکه بعد ایجابی مصلحت نیز در تمامی اقدامات ولائی شرط می باشد (انصاری، ۱۴۲۹: ۵۶۳/۱؛ قاری سید فاطمی، ۱۳۷۴). ثانیاً مطابق نص آیه ۱۵۲ سوره انعام، تصرف «بالتی هی اَحْسَنُ» اقتضای لحاظ مصلحت از سوی ولی را دارد. ثالثاً بر مبنای اصل عدم ولایت بر غیر، تصرفات ولایی خلاف قواعد و اصول فقهی و حقوقی به شمار می رود، بنابراین لازم است قلمرو این تصرفات به قیود عقلایی محدود گردد؛ لذا تحدید اقدامات ولی بر شرط رعایت مصلحت در این موضع، امری عقلایی و موافق احتیاط به شمار می رود.

در نتیجه می توان گفت، از منظر فقهی، مراد از مصلحت عالیه کودک، لحاظ عدم مفسده و جلب منفعت در اقدامات و تصمیمات مربوط به او می باشد به نحوی که پاسخگوی نیازهای مادی، معنوی و روحی کودک باشد.

۲-۲- در نظام بین المللی حقوق بشر

در نظام حقوق بین الملل در ماده ۱ اعلامیه حقوق کودک تصریح گردیده است که کودک به واسطه عدم رشد کامل جسمی و ذهنی، نیازمند مراقبت ویژه، از جمله حمایت حقوقی مناسب می باشد (United Nations General Assembly, 1959: art. 1). به دیگر تعبیر، در این ماده صراحتاً حق حمایت کودک به عنوان یکی از گروه های آسیب پذیر، محترم شمرده است. اما در نظام حقوق بین الملل نیز چارچوب حقوقی اختیارات والدین و سرپرستان قانونی کودک نه به نحو مطلق بلکه در محدوده رعایت مصالح عالیه کودک، تعریف گردیده است و به تعبیر بهتر، در تمامی اقدامات مربوط به کودک، لازم است منافع او اولین و اصلی ترین ملاحظات باشد. به عنوان مثال ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک، اصل مصالح عالیه کودک را به عنوان

اصلی بنیادی تعیین کرده که باید در تمام اقدامات مربوط کودکان به عنوان اولویت اصلی در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر، این اصل وظیفه تصمیم‌گیری را به سمت تضمین بهترین نتیجه برای کودک در هر زمینه‌ای سوق می‌دهد. (United Nations, 1989: Art.3, Part.1) کمیته حقوق کودک در تفسیر عمومی شماره ۱۴ (۲۰۱۳)، جزئیات این ماده را بدین نحو شرح داده است که هر تصمیم یا اقدام، اعم از قضایی، اداری یا خصوصی (شامل تصمیمات والدین و سرپرستان)، باید بر اساس یک ارزیابی ویژه از مصلحت کودک صورت گیرد (Committee on the Rights of the Child, 2013: Art.3, Part.1) مطابق این تفسیر، مصلحت، مفهومی پویا و چند بعدی است که لازم است در ارتباط با شرایط فردی کودک، محیط خانوادگی، هویت فرهنگی، و نیازهای جسمی، ذهنی، روانی، اخلاقی، آموزشی و عاطفی او سنجیده شود (Committee on the Rights of the Child, 2013: para.4)

در اسناد بین‌المللی به منظور ارزیابی مصلحت عالی کودک، عناصری ذکر گردیده که لازم است در اقدامات مربوط به کودک لحاظ گردند. این عناصر عبارتند از:

۱- نظرات و تمایلات کودک: در ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک به اصل احترام به دیدگاه کودک اشاره گردیده است و کمیته حقوق کودک نیز در تفسیر خویش، این مورد را یکی از عناصر ارزیابی مصلحت لحاظ نموده است. بنابراین کودکان حق دارند در هر تصمیمی که به زندگیشان ارتباط دارد، نظرات خود را بیان کنند و لازم است این نظرات با توجه به سن و توانمندی‌شان وزن داده شود. حتی کودکان بسیار خردسال یا در موقعیت‌های آسیب‌پذیر (مثلاً دارای معلولیت یا عضویت در اقلیت) نباید از بیان نظر محروم شوند، بلکه باید امکانات لازم برای مشارکت مؤثر آنها فراهم آید. (Committee on the Rights of the Child, 2013: Art.3, Part.1) البته باید توجه داشت که احترام به دیدگاه کودک به معنای استقلال بخشیدن به او در تصمیم‌گیری نیست، بلکه در راستای رعایت مصالح عالی کودک، لازم است دیدگاه او متناسب با سن و رشد فکری‌اش لحاظ گردد. (Committee on the Rights of the Child, 2009: para. 71)

۲- هویت کودک: کودکان، گروهی همگن محسوب نمی‌شوند بلکه هویت کودک، ترکیبی از ویژگی‌هایی مانند جنس، گرایش جنسی، ملیت، مذهب، باورها، هویت فرهنگی و شخصیت اوست. در ارزیابی مصلحت عالی باید تنوع کودکان با توجه به این عناصر در نظر گرفته شود (Committee on the Rights of the Child, 2013: Art.3, Part.1). این حق، بر اساس ماده ۸ کنوانسیون، شامل حق حفظ و بروز هویت فرهنگی، مذهبی و زبانی کودک نیز می‌شود. مطابق ماده مزبور، حق دسترسی کودک به اطلاعات هویتی و خانوادگی‌اش، به عنوان یکی از حقوق او به رسمیت شناخته شده است.

۳- حفظ محیط خانواده و حفظ روابط عاطفی: از جمله مصالح عالی کودک، حفظ روابط خانوادگی اوست که در اقدامات مربوط به او باید مورد لحاظ قرار گیرد. خانواده به عنوان واحد اصلی جامعه و بستر طبیعی رشد کودک، باید تا حد امکان حفظ شود (Committee on the Rights of the Child, 2013: Art.3, Part.1)

مطابق ماده ۹ کنوانسیون حقوق کودک، جدایی از والدین باید تنها در موارد ضروری (خطر قریب الوقوع برای کودک) به عنوان آخرین گزینه صورت گیرد و هرگونه جدایی باید با حمایت از خانواده و حفظ ارتباطات مستمر (دیدار منظم با والدین و افراد مهم دیگر) همراه باشد (United Nations, Convention on the Rights of the Child, 1989)

۴- مراقبت، حمایت و ایمنی کودک: یکی از عناصر مصلحت عالیۀ کودک، درک حمایت و مراقبت کودک فراتر از جلوگیری از آسیب می باشد که شامل تأمین نیازهای مادی، عاطفی، آموزشی و امنیتی او می شود. لازم است در هر اقدامی، خطرات فعلی و بالقوه (خشونت جسمی یا روانی، آزار جنسی، استثمار اقتصادی و غیره) سنجیده و تضمین های لازم برای حفظ سلامت روانی و جسمی کودک فراهم گردد (Committee on the Rights of the Child, 2013: Art.3, Part.1)

در ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک، حق امنیت کودک در قبال اقسام خشونت ها، سوء رفتار و آسیب ها به رسمیت شناخته شده است (United Nations, Convention on the Rights of the Child, 1989).

۵- حق سلامت کودک: در کلیه اقدامات مربوط به کودک، لازم است مخاطرات بالقوه و فعلی که سلامت او را تهدید می کند، مورد لحاظ واقع گردد. مطابق ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک، سلامت جسمی و روانی کودک، مرکزی ترین عامل در تصمیم گیری مربوط به کودک به شمار می رود (United Nations, Convention on the Rights of the Child, 1989). از این حیث، در صورت وجود گزینه های درمانی مختلف یا عدم قطعیت در نتیجه درمان، مزایا و خطرات هر گزینه باید سنجیده و نظر کودک بر اساس سن و توانمندی او لحاظ شود (Committee on the Rights of the Child, 2013, Art.3, Part.1).

۶- حق آموزش و تحصیل کودک: ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک، حق آموزش برای تمام کودکان را به رسمیت می شناسد. اهمیت این امر تا بدان جاست که مطابق بند ۱ ماده مزبور، آموزش ابتدایی به نحو اجباری برای کودکان لحاظ گردیده است (United Nations, Convention on the Rights of the Child, 1989). دسترسی به آموزش با کیفیت و محیط های یادگیری مناسب، برای تحقق مصلحت عالی ضروری است. این حق باید بدون هزینه و با توجه به امکانات و محدودیت های هر کودک تضمین شود (Committee on the Rights of the Child, 2013: Art.3, Part.1)

۳- بررسی میزان انطباق فعالیت کودک در جایگاه اینفلوئنسر با منافع عالیۀ او

بنابر باور بسیاری از والد- کارفرمایان، فضای مجازی، عرصه ای برای رشد خلاقیت کودک آنان محسوب گردیده و آنان با مطرح نمودن فرزندان خویش در این فضا و به تبع آن در اجتماع، درصدد سرمایه گذاری بر استعداد های کودک و فراهم آوردن اسباب پیشرفت او می باشند (کردبچه و همکاران، ۱۴۰۳ الف). لذا اقدام ایشان در راستای تأمین منافع عالیۀ کودک و

مصون از هر اشکال حقوقی است. در نتیجه لازم است در گام اول، میزان صحت این مدعا را بر مبنای شواهد علمی و عینی سنجید.

۱-۳- تفریح و سرگرمی یا بهره‌کشی دیجیتال

برخی از والد-کارفرمایان اساساً تولید محتوای کودک را از سنخ کار به شمار نیاورده و آن را نوعی تفریح و سرگرمی برای کودک خود تلقی می‌کنند که از آن لذت می‌برد و در عین حال از خلال آن استعدادهایش کشف شده و به شهرت اجتماعی دست می‌یابد (قاسم زاده و همکاران، ۱۳۹۹). چنانچه ظاهر امر را لحاظ نماییم ممکن است این مدعا را صادق بپنداریم؛ چرا که این قشر از کودکان غالباً با کار طاقت فرسایی مواجه نیستند بلکه یا از روزمرگی آنان تولید محتوا می‌شود یا آنکه نهایتاً برای تبلیغات دیجیتال از توانمندی او بهره‌برداری می‌شود. اما چنانچه عمیقاً به این پدیده نظر اندازیم در رابطه با این کودکان، فراتر از کار مجازی با مقوله بهره‌کشی دیجیتال روبرو می‌باشیم. در این بخش در راستای اثبات این مدعا، بر مبنای شواهد علمی به تطبیق عناصر بهره‌کشی بر کار مجازی کودکان می‌پردازیم.

بر مبنای داده‌های علمی، بهره‌کشی و استثمار بدین معناست که یک عامل (الف) در یک تعامل یا رابطه با عامل دیگر (ب)، به گونه‌ای از موقعیت آسیب‌پذیر، نیازمند، یا محدود وی (ب) بهره‌برداری می‌کند که مزایا یا منافع به شکل ناعادلانه یا نابرابر بین طرفین توزیع می‌گردد، حتی اگر تعامل به ظاهر با رضایت (ب) همراه باشد (Zwolinski, et al, 2022; Roemer, 1985). بنابراین عناصر بهره‌کشی عبارتند از:

- ۱- وجود رابطه یا تعامل بین طرفین که اغلب به ظاهر، رضایتمندانه به نظر می‌رسد.
- ۲- نابرابری قدرت یا آسیب‌پذیری یکی از طرفین؛ بدین نحو که یکی از طرفین در موقعیت قوی‌تر و دیگری به دلیل نیاز، اضطراب، ضعف یا محدودیت‌های ساختاری در موقعیت آسیب‌پذیر قرار دارد.
- ۳- بهره‌برداری ناعادلانه از وضعیت؛ بدین صورت که طرف قوی با علم و آگاهی به ضعف طرف مقابل از آن سوء استفاده می‌کند.
- ۴- توزیع ناعادلانه منافع؛ از آن حیث که منافع حاصل از تعامل یا همکاری به شکلی نابرابر و غیرمنصفانه توزیع می‌شود.

در مسئله حاضر، بهره‌کشی دیجیتال به معنای استفاده‌ی ابزاری و صرفاً نمایشی از کودکان در فضای مجازی تعریف می‌شود. بر اساس شواهد میدانی، این نوع سوء استفاده اغلب توسط والدین به ویژه مادر صورت می‌گیرد. تولید محتوا از سوی کودک و استفاده از فیلم و عکس او به منظور کسب درآمد و گاهی کسب محبوبیت و شهرت از اغراض مهم چنین فعلی می‌باشد. اگرچه در غالب موارد، هدف نهایی از کسب محبوبیت و شهرت نیز کسب درآمد از طریق کودک می‌باشد (خجیر و فرمند

خانقشلاقی، ۱۴۰۲). صدق عنوان بهره کشی بر این فعل از آن جهت است که اولاً عدم برابری در قدرت و تصمیم گیری در این مورد به وضوح مشهود است؛ زیرا کودک به دلیل وابستگی، ناتوانی در تصمیم گیری مستقل، و نداشتن گزینه های واقعی برای مخالفت در موقعیتی آسیب پذیر قرار دارد. در این شرایط، والدین، ضوابط و چارچوب تولید و انتشار محتوا را تعیین می کنند و کودک بدون درک کامل تبعات این فعالیت و بدون امکان ابراز مخالفت یا کنترل بر میزان و نوع حضور خود صرفاً به مثابه عنصر نمایشی منفعلانه در تولید محتوا حاضر می گردد. ثانیاً بهره برداری از آسیب پذیری کودک بدین نحو است که والدین از نیاز کودک به محبت، تأیید و ناتوانی او در مخالفت استفاده می کنند تا او را به فعالیتی وادار کنند. ثالثاً در این فعالیت آنچه ملاک است منفعت مادی والدین و کسب درآمد از تولید محتوا یا منفعت معنوی آنان به منظور کسب محبوبیت و شهرت اجتماعی می باشد. تا جایی که والدین برخی از این کودکان، هویت خود را ذیل نام کودک تعریف می کنند (آقایی و رضایا، ۱۳۹۸). اگرچه در نهایت، غرض از شهرت و محبوبیت نیز دستیابی به منفعت مادی می باشد. اما در هر حال، عنصر، سود یک جانبه و توزیع ناعادلانه منافع در این مورد نیز صادق است. افزون بر آنکه چنین فعالیتی، اثرات سوئی بر کودک برجای می گذارد که با توجه به آن می توان گفت در قبال آسیب های وارده، حتی اگر کودک به شهرت و محبوبیت برسد باز هم مزایا، تناسبی با عوارض متحمل بر او ندارد. رابعاً کودک ممکن است ظاهراً رضایت دهد یا حتی مشتاق به نظر برسد، اما به دلیل ناتوانی در درک پیامدها یا نداشتن گزینه های جایگزین، این رضایت معتبر نیست؛ لذا تعامل مبتنی بر رضایت ظاهری نیز در این مسئله صادق خواهد بود. در نتیجه، بهره گیری از کودک به منظور تولید محتوا را نمی توان مصداقی از تفریح و سرگرمی دانست که به کشف استعداد کودک منتهی شود بلکه این فعل، مصداقی از استثمار و بهره کشی دیجیتال به شمار می رود.

از منظر حقوقی، اگرچه بهره کشی و استثمار به انحاء مختلف، ممنوع اعلام گردیده است، اما به ندرت می توان به تعریف جامعی از استثمار در متون حقوقی دست یافت. در این بین، یکی از قوانینی که صراحتاً بهره کشی را در خصوص کودک، معنا نموده است، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان می باشد. در بند ۱ ماده ۱ این قانون در این خصوص چنین بیان گردیده است: به کارگیری غیر قانونی طفل و یا وادار کردن یا گماردن او به کار یا خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت طفل برای وی مضر یا خطرناک باشد (قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹). مطابق تعریف مزبور، صرف زیان بار بودن فعل، آن را مصداقی از استثمار و بهره کشی قرار می دهد. اگرچه تعریف مزبور را نمی توان جامع تلقی نمود، اما مطابق آنچه در ادامه در خصوص پیامدهای سوء فعالیت های مجازی کودک محور بیان خواهد گردید، این قسم از فعالیت ها را نیز می توان مشمول استثمار اقتصادی مذکور در ماده فوق محسوب نمود. علی الخصوص آنکه این ماده، میان فعالیت فیزیکی یا مجازی کودک، تفصیلی قائل نشده و اطلاق ماده، هر دو نوع، فعالیت را دربرمی گیرد.

همچنین برخی از محققین بر این عقیده اند که مطابق تعریف یونیسف از کار کودک، استثمار در فرضی مصداق می یابد که خصیصه هایی چون فعالیت تمام وقت، ساعات کار طولانی، فعالیت همراه با هیجان و فشار تحمل ناپذیر، فعالیت آسیب رسان به ارزش وجودی و شخصیت کودک را به دنبال بیاورد (پیوندی، ۱۳۹۰، ص ۳۶۹). حال آنکه مطابق آنچه در ادامه در خصوص

پیامدهای سوء فعالیت مجازی کودک، بیان خواهد گردید، بسیاری از این خصیصه‌ها بر این فعالیت نیز منطبق بوده و مطابق این تعریف می‌توان بهره‌گیری دیجیتال از کودک را نوعی از استثمار تلقی نمود.

در تعریفی دیگر، بردگی به عنوان مصداق بارزی از استثمار، دارای سه مؤلفه اساسی دانسته شده است: اعمال حقوق مالکانه بر فرد انسانی، فقدان وقت خصوصی و انجام بدترین اشکال کار (رحمتی‌فر، ۱۳۹۷). در خصوص این تعریف، اعمال حقوق مالکانه بر فرد، به نوعی نابرابری قدرت و برتری یکی از طرفین بر دیگری اشاره دارد، آنگونه که در بهره‌کشی دیجیتال از کودک به وضوح، نوعی نابرابری در قدرت و تصمیم‌گیری میان والدین به عنوان کارفرمایان و کودک به عنوان کارگر به چشم می‌خورد. همچنین عنصر فقدان وقت خصوصی برای کودک نیز در بهره‌کشی دیجیتال از کودک مشهود می‌باشد. از آن حیث که چنانچه ذکر خواهد گردید، مشارکت مستمر کودک در فرآیند تولید محتوا، فرصت رشد طبیعی کودک و تجربه‌های غیر دیجیتال مانند بازی‌های بی‌قاعده دوران کودکی را از او سلب خواهد نمود. در خصوص مؤلفه سوم، بدترین اشکال کار برای کودک مسلماً فعالیتی است که آسیب جدی متوجه او سازد، از این حیث، در ماده ۳ کنوانسیون ممنوعیت بدترین اشکال کار کودک، یکی از مصادیق بدترین اشکال کار کودک، کار مضر برای سلامتی، ایمنی یا اخلاقیات کودک دانسته شده است (کنوانسیون ممنوعیت بدترین اشکال کار کودک، مصوب ۱۹۹۹). لذا با توجه به پیامدهای سوء تولید محتوای مجازی کودک که در ادامه به تفصیل از آن بحث خواهد گردید، مؤلفه اخیر را نیز می‌توان بر بهره‌کشی دیجیتال کودک منطبق دانست. در نتیجه مطابق تعریف مزبور، بهره‌گیری والدین از کودک به منظور تولید محتوا در فضای مجازی را می‌توان مصداق بارزی از استثمار و بردگی نوین به شمار آورد.

۲-۳- مهارت پروری یا فرصت سوزی

برخی از والدین کودک اینفلوئنسرها، سعی در آن دارند که تحت پوشش استعدادیابی و مهارت پروری به واسطه تولید محتوا، بهره‌کشی از کودک در فضای مجازی را توجیه نمایند (کردبچه و همکاران، ۱۴۰۳ الف). اما حقیقت امر، زمانی مشخص می‌شود که تبعات و پیامدهای این فعل مدنظر قرار گیرد.

پیامدهای سوء کودک اینفلوئنسری را می‌توان از چند جنبه مورد بررسی قرار داد:

اولاً بحران هویتی: از آن حیث که والدین برای جذب دنبال‌کننده و کسب حمایت بیشتر و محبوبیت در فضای مجازی سعی می‌کنند تصویری ایده آل از کودک ارائه دهند که مطلوب و مورد پسند مخاطبین و دنبال‌کنندگان صفحات اجتماعی آنان است. تصویری که هیچ سنخیتی با واقعیت کودک ندارد اما تولید و بازتولید مکرر این تصویر، هویتی جعلی برای کودک به همراه می‌آورد. از آن حیث که هویت، موضوعی بین‌ذهنانه است و افراد به ویژه در کودکی، خود را از دریچه نگاه دیگران درک کرده و می‌شناسند. به تبع شکل‌گیری این هویت دیجیتال جعلی و پیش‌ساخته که خود کودک دخالتی در آن نداشته، او در نوجوانی از شکل دهی به هویت مطلوب خویش، عاجز می‌ماند (خجیر و فرمند خائف‌شلاقی، ۱۴۰۲).

مربوط به او می باشد؛ به نحوی که اقدام ولایی پاسخگوی نیازهای مادی، معنوی و روحی کودک باشد. این در حالی است که اولاً چنانچه ملاحظه گردید، بررسی شواهد علمی و تجربی پیرامون کار کودک در جایگاه اینفلوئنسر به روشنی دلالت بر وجود مفاسد متعدد و جدی در این زمینه دارد. از جمله این مفاسد می توان به بحران هویتی ناشی از شکل گیری هویت جعلی دیجیتال، بروز مشکلات روحی همچون اضطراب، افسردگی، فرسودگی عاطفی و وابستگی به تأیید دیگران، سلب فرصت رشد طبیعی و تجربه های متنوع کودکی، و نهایتاً تبدیل کودک به ابزاری تجاری برای کسب منفعت والدین اشاره کرد. این پیامدها به وضوح مصداق مفسده و ضرر به کودک است که در فقه، قاعده لاضرر آن را مردود می شمارد. بنابراین یکی از ارکان اصلی مصلحت کودک، یعنی عدم مفسده و ضرر در این مورد مفقود می باشد. ثانیاً در ادعای والدین مبنی بر مهارت پروری، رشد خلاقیت و استعدادیابی کودک از طریق تولید محتوا، اگرچه به ظاهر جلب منفعت به چشم می خورد، اما همانگونه که توضیح داده شد، در عمل این منافع یا حاصل نمی شود یا چنان اندک و ظاهری است که در مقایسه با مفاسد و آسیب های وارده، فاقد ارزش محسوب می گردد. علاوه بر این، منافع حاصل از فعالیت کودک عمدتاً به والدین بازمی گردد نه به کودک. بنابراین عنصر دیگر مصلحت یعنی جلب منفعت نیز در این مورد، مفقود می باشد. ثالثاً چنانچه ذکر شد، مصلحت عالیه کودک اقتضا دارد که تصمیمات ولایی والدین تمامی ابعاد نیازهای مادی، معنوی و روحی کودک را به شیوه ای متوازن تأمین کند. حال آنکه بهره گیری از کودک برای تولید محتوای مجازی، نه تنها پاسخگوی چنین نیازهایی نیست، بلکه سبب آسیب به ابعاد مختلف شخصیت کودک و اخلال در رشد طبیعی او می شود. افزون بر این، نیازهای روحی و معنوی کودک به محبت بی قید و شرط، امنیت روانی، فرصت تجربه زندگی واقعی و بازی های آزاد، در چنین شرایطی قربانی منافع زودگذر و سطحی والدین می گردد. در نتیجه بهره گیری از کودک در راستای تولید محتوا در فضای مجازی، نه با عنصر دفع مفسده مطابقت دارد و نه واجد جلب منفعت واقعی برای کودک است و نه تأمین کننده نیازهای واقعی اوست. در نتیجه بهره گیری از کودک در جایگاه اینفلوئنسر، خارج از چارچوب مصالح عالیه کودک بوده و از منظر فقهی، خارج از محدوده قانونی اختیارات والدین بوده و به تبع آن، فاقد مشروعیت و اعتبار است.

۲-۳-۳- تطبیق فعالیت کودک بر عناصر مصلحت در نظام حقوق بین الملل

مطابق آنچه در اسناد بین المللی، در خصوص عناصر ارزیابی مصالح کودک بیان گردید و مطابق یافته های علمی در رابطه با پیامدهای کار کودک در فضای مجازی که در بخش سابق به آن اشاره گردید، بهره کشی دیجیتال از کودک، از چند جهت، خلاف مصلحت او به شمار می رود: اولاً عنصر نظرات و تمایلات کودک در آن مفقود است؛ از آن حیث که در اغلب موارد والدین چارچوب و محتوای کار را تعیین می کنند و کودک نقشی صرفاً اجرایی دارد؛ بنابراین خواست واقعی او نقض می شود. ثانیاً عنصر هویت و شخصیت کودک نادیده انگاشته می شود؛ زیرا تولید مداوم محتوای از پیش ساخته، هویت دیجیتال جعلی ای برای کودک ایجاد می کند که با واقعیت او همخوانی ندارد و در درازمدت به بحران هویتی می انجامد. ثالثاً حفظ محیط خانوادگی و روابط عاطفی، مدنظر قرار نمی گیرد؛ از آن جهت که وقتی همه تعاملات خانوادگی حول محور تولید محتوا طراحی شود، امکان تجربه طبیعی والد-فرزند و حمایت عاطفی بی قید و شرط کاهش می یابد. رابعاً مراقبت، حمایت

و ایمنی کودک را نقض می‌کند از آن جهت که یکی از مولفه‌های مهم این عنصر، حمایت کودک در مقابل استثمار است، حال آن که واداشتن کودک به تولید محتوای مجازی، خود نوعی بهره‌کشی و استثمار دیجیتال از کودک به شمار می‌رود. خامساً در تضاد با حق سلامت کودک می‌باشد؛ از آن حیث که فشار برای تداوم فعالیت، رقابت بر سر لایک و فالوور و مواجهه با کامنت‌های منفی، می‌تواند به اضطراب، افسردگی و اختلالات رفتاری در کودک بینجامد. سادساً در تعارض با حق آموزش و تحصیل کودک است؛ زیرا وقت و انرژی کودک صرف تولید محتوا می‌شود و فرصت‌های طبیعی برای یادگیری، بازی، تعامل اجتماعی حضوری از او سلب می‌گردد.

۴- رویکرد تقنینی در خصوص فعالیت کودک در جایگاه اینفلوئنسر

امروزه اگرچه فعالیت بی ضابطه کودک در جایگاه اینفلوئنسر، یکی از معضلات مهم اجتماعی به شمار می‌رود، اما نظام‌های حقوقی هنوز در آغاز مسیر تنظیم‌گری این حوزه قرار دارند. در میان اسناد بین‌المللی، کنوانسیون حقوق کودک به عنوان سندی جامع در خصوص حقوق کودکان، در ماده ۳۲ ابتدا از دولت‌ها درخواست شده که از استثمار اقتصادی کودکان و هر نوع فعالیت زیان‌بار که روند تحصیل کودک را متوقف نموده یا برای بهداشت روحی، جسمی، اخلاقی و اجتماعی او مضر باشد، جلوگیری کنند. در این راستا تصویب و اجرای قانون مبین حداقل سن کار کودک، شرایط کاری او و ضمانت‌های اجرای مربوط به آن را بر عهده دولت‌ها قرار داده است. به تعبیر دیگر، کنوانسیون با بیانی عام، تعیین چارچوب معین برای کار کودک را به قوانین داخلی کشورها واگذار نموده است.

این در حالی است که صرفاً برخی از کشورها به نحو صریح به قانون‌گذاری در این مسئله پرداخته‌اند. فرانسه در سال ۲۰۲۰ میلادی اولین قانون اختصاصی را در خصوص بهره‌برداری تجاری از کودک در پلتفرم‌های دیجیتال، تصویب نمود. این قانون مقرر می‌کند در صورتی که کودک، موضوع اصلی محتوای ویدئویی درآمدزا در پلتفرم‌های دیجیتال باشد، والدین یا نمایندگان قانونی او مشمول نظام نظارتی خاص خواهند بود. همچنین بخشی از درآمد باید برای کودک حفظ شود و پلتفرم‌ها نیز نسبت به تسهیل حذف داده‌های کودک و اطلاع‌رسانی درباره مخاطرات دیجیتال مسئولیت دارند (France, 2020).

همچنین در ایالت ایلینوی آمریکا در سال ۲۰۲۳ مقرر گردید، در صورتی که بخش معناداری از محتوای درآمدزا متضمن حضور کودک باشد، درصدی از درآمد باید در حساب امانی به نفع کودک نگهداری شود. علاوه بر آن، برای کودک حق اقامه دعوا و درخواست حذف برخی محتواها پس از رسیدن به سن قانونی پیش‌بینی شده است (Illinois, 2023).

در سال ۲۰۲۴، کالیفرنیا، قوانین مربوط به حمایت از کودکان بازیگر را به کودک اینفلوئنسرها، تسری داد و بر مبنای آن، والدین را ملزم به حفظ بخشی از درآمد حاصل از تولید محتوا برای کودک نمود (California, 2024).

برآیند قوانین موجود، نشان‌دهنده آن است که این قوانین عمدتاً درآمد محور می‌باشند و به آثار مالی فعالیت کودک، توجه دارند و در نهایت، بعضاً بر حق حذف محتوا برای کودک، تاکید نموده‌اند. این در حالی است که با توجه به اصل مصلحت عالیه کودک، محدودیت شدید ظرفیت رضایت و ادراک فرد در سنین کودکی، و ضرورت حمایت از حقوق کودک در محیط دیجیتال، اساساً می‌توان تجاری‌سازی دیجیتال کودکان را به صورت کلی ممنوع دانست؛ یا دست کم، اصل را بر ممنوعیت آن نهاد مگر در مواردی چون حضور غیرتجاری و محدود کودک در یک محتوای خانوادگی. بنابراین در مرحله تقنین بیش از آنکه لازم باشد به بعد جبرانی تجاری‌سازی کودک توجه شود، ضروری است، خود فرآیند تجاری‌سازی، محدود گردد.

از سوی دیگر، در میان کشورهای اسلامی، خلأ قانونی در این زمینه همچنان مشهود است. به عنوان نمونه، کشور ایران به عنوان یکی از کشورهای اسلامی، در خصوص ممنوعیت کار کودک، در ماده ۷۹ قانون کار به نحو کلی، به کار گماردن فرد کمتر از ۱۵ سال، ممنوع اعلام نموده است (قانون کار، مصوب ۱۳۶۹). اگرچه اطلاق ماده فوق، کار مجازی کودک را نیز دربرمی‌گیرد، اما آنچه ضرورت دارد این است که ابتدا این قسم از فعالیت از حیطه سرگرمی و تفریحی که باور عموم بر آن شکل گرفته است، خارج گردیده و در دایره کار کودک، تعریف گردد تا بتوان بر مبنای اطلاق ماده فوق بر ممنوعیت آن حکم راند.

همچنین بند ۱، ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، بهره‌کشی اقتصادی بر فعالیت مضر برای کودک اطلاق نموده است و در بند ۲، ماده ۳ این قانون، کودکی که مورد بهره‌کشی اقتصادی واقع گردد را تحت حمایت قانون دانسته است. اما نکته‌ای که باید بدان توجه نمود این است که در عرف امروز متأسفانه هنوز فعالیت مجازی کودک در زمره فعالیت‌های مضر تلقی نمی‌گردد. بنابراین علاوه بر آگاهی‌بخشی و آموزش در خصوص مخاطرات این فعالیت، حمایت بهتر از کودک اینفلوئنسرها در گرو تدوین قانونی منسجم در این زمینه می‌باشد تا به تصریح بر ممنوعیت بهره‌گیری مستمر و بی ضابطه از کودک در فضای مجازی حکم نماید. حیطه اختیار والدین در این مسئله و مسئولیت آنان را تبیین نماید. مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها را به عنوان واسطه‌گران اقتصادی در خصوص حمایت از کودکان در فضای مجازی تبیین نماید. افزون بر این، ایجاد نهادهای نظارتی جهت پایش مستمر فعالیت‌های کودک محور در فضای مجازی نیز از ضرورت ویژه‌ای برخوردار است.

نتیجه‌گیری

از پژوهش حاضر تحت عنوان «ارزیابی میزان اختیار والدین در به کارگیری کودک در تولید محتوای مجازی از منظر فقه و نظام بین‌المللی حقوق بشر (بررسی موردی پدیده کودکان اینفلوئنسر)»، نتایج زیر، حاصل گردید:

اولاً بهره‌گیری والدین از کودکان به منظور تولید محتوا در فضای مجازی که غالباً بدون اراده مستقل کودک و در راستای تأمین منافع والدین صورت می‌گیرد، مصداق بارزی از استثمار و بهره‌کشی دیجیتال به شمار می‌رود.

ثانیاً از منظر فقهی، نظر بر آنکه بهره‌گیری از کودک در جایگاه اینفلوئنسر، از طرفی، مفاسد و پیامدهای سوء بسیاری در پی دارد و از جهت دیگر، فاقد هر گونه منفعتی برای کودک می‌باشد، چنین اقدامی از سوی والدین، فراتر از دایره اختیارات قانونی آنان محسوب گردیده و مطابق قاعده لاضرر، محکوم و نامشروع است.

ثالثاً از منظر حقوق بین‌الملل و بر مبنای عناصر مطروحه برای مصالح عالیه کودک، نظر به اموری چون اجباری بودن، فعالیت نسبت به کودک، نادیده انگاشتن هویت حقیقی او، محرومیت کودک از حمایت عاطفی بی‌قید و شرط، استثمار و بهره‌کشی دیجیتال از کودک، نقض حق سلامت و حق آموزش کودک، بهره‌گیری از او توسط والدین به منظور تولید محتوا در فضای مجازی، امری خلاف منافع عالیه کودک به شمار می‌رود.

لازم به ذکر است، چنین نتیجه‌گیری‌ای، ناظر به هر گونه حضور کودک در فضای مجازی نیست، بلکه ناظر به پدیده کودک اینفلوئنسر است. به تعبیر دیگر، نتیجه‌گیری مزبور بر تولید مستمر محتوا، جذب فالوور، تداوم محبوبیت، کسب شهرت و درآمد، وابستگی ارزشمندی کودک به بازخورد مخاطبان و بهره‌گیری تجاری از تصویر و شخصیت کودک استوار شده است. این مؤلفه‌ها صرفاً با حضور عادی کودک در فضای مجازی یا تولید محتوای موردی و تفریحی وی ملازمه ندارد، بلکه بیانگر وضعیت خاصی است که کودک به یک شخصیت رسانه‌ای دارای مخاطب و اثرگذاری تبدیل شده و حضور او در فضای مجازی در جهت اهداف اقتصادی، تبلیغاتی یا افزایش شهرت مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

لذا ضروری است، ضوابط مشخصی در رابطه با فعالیت مجازی کودک، تدوین و تقنین گردد تا کشورها ملزم به پیشگیری، نظارت و مجازات تخلفات مرتبط با بهره‌کشی دیجیتال از کودکان شوند.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

آقای، عاطفه؛ زهرا رضایا (۱۳۹۸)، **مطالعه مفهوم کودکان کار اینستاگرامی در فضای مجازی ایران**، فصلنامه حقوق کودک، شماره ۳، صفحات ۱۹۰-۱۶۱.

انصاری، قدرت الله (۱۴۲۹)، **موسوعة احکام الاطفال و ادلتها**، قم: موسسه ائمه اطهار علیهم السلام.

بوطی، محمد سعید رمضان (۱۳۸۵)، **ضوابط المصلحة فی الشریعة الاسلامیة**، رسالة الدكتوراه فی اصول الشریعة الاسلامیة، کلیة القانون و الشریعة، جامعة الأزهر.

پیوندی، غلامرضا (۱۳۹۰)، **حقوق کودک**، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

جباری، مصطفی؛ صابریان، بهروز (۱۳۹۳)، **تک فرزندی، مصداق سوء استفاده از حق**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱۱، صفحات ۹-۱۱.

حکیم، سید محسن (۱۴۱۶)، **مستمسک العروة الوثقی**، قم: موسسه دار التفسیر.

حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۳)، **الاجتهاد و التقليد (معارج الاصول)**، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام.

خجیر، یوسف؛ فرمند خانقشلاقی، ساناز (۱۴۰۲)، **بازنمایی زیست مجازی کودکان اینفلوئنسر در اینستاگرام**، فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی، شماره ۳، صفحات ۱۵۵-۱۸۳.

خمینی، سید روح الله (بی تا)، **کتاب البیع**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۹)، **محاضرات فی اصول الفقه**، قم: مؤسسه نشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم المشرفة.

سبحانی، جعفر (۱۴۳۱)، **احکام البیع فی شریعة الاسلامیة الغراء**، قم: موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع).

سبزواری، سید عبد الاعلی (۱۴۱۳)، **مذهب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام**، قم: موسسه المنار.

شاطبی، ابو اسحاق (بی تا)، **الموافقات فی اصول الشریعة**، بیروت: دار المعرفة.

رحمتی فر، سمانه (۱۳۹۷)، **بررسی وضعیت کار کودکان در حقوق ایران از منظر ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر**، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۲، صفحات ۳۰۶-۲۸۳.

عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰)، **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، قم: کتابفروشی داوری.

عباسی کلیمانی، عاطفه؛ عباسیان آرانی، فاطمه؛ شهبازی، محمد حسین (۱۴۰۱)، **کار کودک در نظام حقوق خانواده ایران از منظر ایجابی و سلبی**، دو فصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده، دوره ۲۸، شماره ۷۹، صفحات ۱۰۸-۸۳.

عوایشه، حسین بن عوده (۱۴۲۳)، **الموسوعة الفقهیة المیسرة فی فقه الکتاب و السنة المطهره**، بیروت: دار ابن حزم للطباعة و النشر و التوزیع.

غزالی، ابو حامد محمد بن محمد (۱۴۱۳)، **المستصفی**، بی جا: دار الکتب العلمیة.

قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۷۴)، **ترویج کودکان: بررسی مبانی فقهی و مقایسه و تطبیق آن با حقوق ایران و اسناد بین المللی**، فصلنامه مفید، شماره ۲، صفحات ۱۲۹-۱۵۴.

قاسم زاده برکی، سارا؛ منطقی، مرتضی منطقی؛ محمدی، مریم (۱۳۹۹)، **بررسی انگیزه های سوء استفاده از کودکان توسط مادران بلاگر و سلامت روانی فرزندان آنان در فضای مجازی**، فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی، شماره ۳۴-۴۹.

کردبچه، رضا؛ سوادیان، پروین؛ شکر بیکی، عالیه (۱۴۰۳)، **الف، زمینه ها و شرایط شکل گیری پدیده کودکان کار در فضای مجازی**، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی ارتباطات، شماره ۱۲، صفحات ۵۹-۷۴.

کردبچه، رضا؛ سوادیان، پروین؛ شکر بیکی، عالیه (۱۴۰۳)، **ب. کودک - برده مجازی؛ مطالعه ای در پدیده نوظهور کودکان کار مجازی**، مجله جامعه شناسی ایران، شماره ۱، صفحات ۱۲۱-۱۴۶.

كركى، على بن حسين (١٤١٤)، **جامع المقاصد فى شرح القواعد**، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام.

مراغى، سيد ميرعبد الفتاح (١٤١٧)، **العناوين الفقهية**، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.

مروج جزايرى، سيد محمد جعفر (١٤١٦)، **هدى الطالب فى شرح المكاسب**، قم: موسسه دار الكتاب.

مكارم شيرازى، ناصر (١٤٢٨)، **العروة الوثقى مع التعليقات**، قم: مدرسه الامام على بن ابي طالب.

مكارم شيرازى، ناصر (١٤٢٤)، **كتاب النكاح**، قم: مدرسه الامام على بن ابي طالب.

نجفى، محمد حسن (بى تا)، **جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام**، بيروت: دار إحياء التراث العربى.

نراقى، مولى احمد (١٤١٥)، **مستند الشيعة فى احكام الشريعة**، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام.

Altun, Dilek. (2019). **An investigation of preschool children's digital footprints and screen times, and of parents' sharenting and digital parenting roles**. International Journal of Eurasia Social Sciences, 10(35), 76–97.

<https://rrpubs.com/index.php/ijoess/article/view/1160>

California. (2024). **Assembly Bill No. 1880 (AB 1880): Employment of minors as content creators on online platforms**. California Legislative Information. <https://leginfo.ca.gov/>

Clark, Daniel R., and Alisa B. Jno-Charles (2025). **The Child Labor in Social Media: Kidfluencers, Ethics of Care, and Exploitation**, Journal of Business Ethics, Published February 10. <https://doi.org/10.1007/s10551-025-05953-7>.

Conti, C., & Paolucci, M. (2023). **Sharenting: Characteristics and awareness of parents publishing sensitive content of their children on online platforms**. International Journal of Environmental Research and Public Health, 20(24), Article 11290302. <https://doi.org/10.3390/ijerph20211290302>

Committee on the Rights of the Child (2013). **General Comment No. 14 (2013) on the Right of the Child to Have His or Her Best Interests Taken as a Primary Consideration (Art. 3, Para. 1)**. CRC/C/GC/14. United Nations, May 29. <https://digitallibrary.un.org/record/778523>.

Committee on the Rights of the Child. (2009). **General Comment No. 12: The right of the child to be heard**. United Nations.

France. (2020). **Loi n° 2020-1266 du 19 octobre 2020 visant à encadrer l'exploitation commerciale de l'image d'enfants de moins de seize ans sur les plateformes en ligne**. Légifrance. <https://www.legifrance.gouv.fr/jorf/id/JORFTEXT000042439054>

Illinois. (2023). **Public Act 103-0556: Child Labor Law amendments regarding minors featured in vlogs**. Illinois General Assembly. <https://www.ilga.gov/legislation/PublicActs/View/103-0556>

Lazard, Lisa, Netta Weinstein, Jackie Taylor, and Emma Halliwell (2022). **Digital Mothering and Sharenting: An Interpretative Phenomenological Analysis**. Feminism & Psychology 32, no. 2, 189–206. <https://doi.org/10.1177/09593535221083840>.

Lynn, Amber (2023). **Kidfluencing: The Mental Impacts of Posting on Social Media Can Have on Children and Parents: How Social Media Presence Can Have Mental Impacts on Children and Parents**. Research Archive of Rising Scholars, preprint. <https://doi.org/10.58445/rars.537>.

Roemer, John E (1985). **Should Marxists Be Interested in Exploitation?**, Philosophy & Public Affairs 14, no. 1, 30–65.

Tosuntaş, Şule Betül, Griffiths, Mark D (2024). **Sharenting: A systematic review of the empirical literature**. Journal of Family Theory & Review, 16(3), 525–562. <https://doi.org/10.1111/jftr.12566>

Tosuntaş, Şule Betül, Mustafa Koc, and Eylem Ozkara (2024). **Sharenting and the Commodification of Children: A Systematic Review**. Journal of Family Theory & Review 16, no. 1, 21–39. <https://doi.org/10.1111/jftr.12566>.

United Nations (1998). **Convention on the Rights of the Child**. November 20. United Nations Treaty Series 1577: 3.

United Nations General Assembly (1959). **Declaration of the Rights of the Child**. GA Res. 1386 (XIV), U.N. Doc. A/4354.

Zwolinski, Matt; Ferguson, Benjamin; and Wertheimer, Alan (2022). **Exploitation**, *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, edited by Edward N. Zalta and Uri Nodelman, Edition. Stanford, CA: Metaphysics Research Lab, Stanford University.

References

Holy Qur'an

Abbasi Kelimani, Atefeh; Abbasian Arni, Fatemeh; & Shahbazi, Mohammad Hossein. (2022). "Child labor in the Iranian family law system: A positive and negative perspective". Biannual Journal of Family Jurisprudence and Law, 28(79), 83–108. (in Persian)

Aghaei, Atefeh & Rezāniyā, Zahra (1398). "A study of the concept of Instagram child-labor in Iran's virtual space." Child Rights Quarterly, No. 3, pp. 161–190. (in Persian)

al-Būṭī, Muḥammad Sa'īd Ramaḍān (1385). "Ḍawābiṭ al-Maṣlaḥah fī al-Sharī'ah al-Islāmiyyah." Doctoral dissertation in Principles of Islamic Law, Faculty of Law and Sharī'a, Al-Azhar University. (in Arabic)

al-Shāṭibī, Abū Ishāq (n.d.). "Al-Muwāfaqāt fī Uṣūl al-Sharī'ah." Beirut: Dār al-Ma'rifah. (in Arabic)

Altun, Dilek. (2019). An investigation of preschool children's digital footprints and screen times, and of parents' sharenting and digital parenting roles. *International Journal of Eurasia Social Sciences*, 10(35), 76–97. <https://rrpubs.com/index.php/ijoes/article/view/1160> (in English)

ʿĀmilī, Zayn al-Dīn b. ʿAlī (1410). "Al-Rawḍah al-Bahiyyah fī Sharḥ al-Lum'ah al-Dimashqiyyah." Qom: Dāvari Bookshop. (in Arabic)

- Ansari, Ghodratollāh (1429). “Mawsū‘ah Ahkām al-Aṭfāl wa Adillatuhā.” Qom: Institute of A‘immah al-Aṭhār (Aleyhim al-Salām). (in Arabic)
- California. (2024). *Assembly Bill No. 1880 (AB 1880): Employment of minors as content creators on online platforms*. California Legislative Information. <https://leginfo.ca.gov/> (in English)
- Clark, Daniel R., and Alisa B. Jno-Charles (2025). The Child Labor in Social Media: Kidfluencers, Ethics of Care, and Exploitation, *Journal of Business Ethics*, Published February 10. <https://doi.org/10.1007/s10551-025-05953-7>. (in English)
- Conti, C., & Paolucci, M. (2023). Sharenting: Characteristics and awareness of parents publishing sensitive content of their children on online platforms. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 20(24), Article 11290302. <https://doi.org/10.3390/ijerph20211290302>. (in English)
- Committee on the Rights of the Child (2013). General Comment No. 14 (2013) on the Right of the Child to Have His or Her Best Interests Taken as a Primary Consideration (Art. 3, Para. 1). CRC/C/GC/14. United Nations, May 29. <https://digitallibrary.un.org/record/778523>. (in English)
- Committee on the Rights of the Child. (2009). *General Comment No. 12: The right of the child to be heard*. United Nations. (in English)
- France. (2020). *Loi n° 2020-1266 du 19 octobre 2020 visant à encadrer l'exploitation commerciale de l'image d'enfants de moins de seize ans sur les plateformes en ligne*. Légifrance. <https://www.legifrance.gouv.fr/jorf/id/JORFTEXT000042439054> (in English)
- Ghazali, Abu Hamid Muhammad ibn Muhammad (1413). “Al-Mustasfa”. n.p.: Dar al-Kutub al-‘Ilmiyyah. (in Arabic)
- Ḥakīm, Sayyid Muḥsin (1416). “Al-Mustamsak fī al-‘Urwa al-Wuthqā.” Qom: Dār al-Tafsīr Institute. (in Arabic)
- Ḥillī, Ja‘far ibn al-Ḥasan (1403). “Al-Ijtihād wa al-Taqlīd (Ma‘ārij al-Uṣūl).” Qom: Āl al-Bayt Institute. (in Arabic)
- Karkī, ‘Alī b. Ḥusayn (1414). “Jāmi‘ al-Maqāsid fī Sharḥ al-Qawā‘id.” Qom: Āl al-Bayt Institute. (in Persian)
- Khajīr, Yūsuf & Farmand Khanqashlāqī, Sānāz (1402). “Representation of the virtual life of child influencers on Instagram.: Quarterly Journal of Media Studies & Research, No. 3, pp. 155–183. (in Persian)
- Khomeini, Sayyid Ruhollah (n.d.). “Kitāb al-Bay’”. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini’s Works. (in Arabic)
- Khū‘ī, Sayyid Abū al-Qāsim (1419). “Muḥāḍarāt fī Uṣūl al-Fiqh”. Qom: Islamic Publishing Institution affiliated with the Seminary Teachers’ University of Holy Qom. (in Arabic)

- Kordbacheh, Rezā; Savadīān, Parvīn; Shokr-Bīki, ‘Āliyah (1403). “Contexts and conditions for the emergence of the phenomenon of child-labor in virtual space.” *Scientific Quarterly of Strategic Communication Studies*, No. 12, pp. 59–74. (in Persian)
- Kordbacheh, Rezā; Savadīān, Parvīn; Shokr-Bīki, ‘Āliyah (1403). “Virtual child-slave: A study of the emerging phenomenon of virtual child labor.” *Iranian Journal of Sociology*, No. 1, pp. 121–146. (in Persian).
- Illinois. (2023). *Public Act 103-0556: Child Labor Law amendments regarding minors featured in vlogs*. Illinois General Assembly. <https://www.ilga.gov/legislation/PublicActs/View/103-0556> (in English)
- Lazard, Lisa, Netta Weinstein, Jackie Taylor, and Emma Halliwell (2022). Digital Mothering and Sharenting: An Interpretative Phenomenological Analysis. *Feminism & Psychology* 32, no. 2, 189–206. <https://doi.org/10.1177/09593535221083840>. (in English)
- Lynn, Amber (2023). Kidfluencing: The Mental Impacts of Posting on Social Media Can Have on Children and Parents: How Social Media Presence Can Have Mental Impacts on Children and Parents. *Research Archive of Rising Scholars*, preprint. <https://doi.org/10.58445/rars.537>. (in English)
- Makārim-Shīrāzī, Nāsir (1428). “Al-‘Urwah al-Wuthqā with annotations.” Qom: Imam ‘Alī b. Abī Ṭālib School. (in Arabic)
- Makārem Shīrāzī, Nāṣir (1424). “Kitāb al-Nikāh”. Qom: Madrasat al-Imām ‘Alī ibn Abī Ṭālib. (in Arabic)
- Marāghī, Sayyid Mīr ‘Abd al-Fattāḥ (1417). “Al-‘Anāwīn al-Fiqhiyyah.” Qom: Office of Islamic Publications affiliated with the Society of Teachers of the Qom Seminary. (in Arabic)
- Murūj Jazā’irī, Sayyid Muḥammad Ja’far (1416). “Ḥadī al-Ṭālib fī Sharḥ al-Makāsib.” Qom: Dār al-Kitāb. (in Arabic)
- Najafī, Muḥammad Ḥasan (n.d.). “Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā’i’ al-Islām.” Beirut: Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī. (in Arabic)
- Narāqī, Mullā Aḥmad (1415). “Mustanad al-Shi’ah fī Ahkām al-Sharī’ah.” Qom: Āl al-Bayt Institute. (in Arabic)
- Qārī-Seyyed Fāṭemī, Sayyid Muḥammad (1374). “Child marriage: Examination of jurisprudential foundations and comparison/application with Iranian law and international instruments.” *Mofid Quarterly*, No. 2, pp. 129–154. (in Persian)
- Qāsemzādeh-Borkī, Sārā; Manteqī, Morteza Manteqī; Mohammadi, Maryam (1399). “Examining motivations for the exploitation of children by blogger mothers and the mental health of their children in virtual space.” *Quarterly Journal of Research in Psychological Health*, (issue not given), pp. 34–49. (in Persian)
- Roemer, John E (1985). Should Marxists Be Interested in Exploitation?, *Philosophy & Public Affairs* 14, no. 1, 30–65. (in English)

Sabzavārī, Sayyid ‘Abd al-A‘lā (1413). “Muḥadhdhab al-Aḥkām fī Bayān al-Ḥalāl wa al-Ḥarām.” Qom: Al-Manār Institute. (in Arabic)

Subḥānī, Ja‘far (1431). "Aḥkām al-Bay‘ fī al-Sharī‘ah al-Islāmiyyah al-Gharra’". Qom: Imam Ṣādiq Educational and Research Institute. (in Arabic)

Tosuntaş, Şule Betül, Griffiths, Mark D (2024). Sharenting: A systematic review of the empirical literature. *Journal of Family Theory & Review*, 16(3), 525–562. <https://doi.org/10.1111/jftr.12566> (in English)

Tosuntaş, Şule Betül, Mustafa Koc, and Eylem Ozkara (2024). Sharenting and the Commodification of Children: A Systematic Review. *Journal of Family Theory & Review* 16, no. 1, 21–39. <https://doi.org/10.1111/jftr.12566>. (in English)

United Nations (1998). *Convention on the Rights of the Child*. November 20. United Nations Treaty Series 1577: 3. (in English)

United Nations General Assembly (1959). *Declaration of the Rights of the Child*. GA Res. 1386 (XIV), U.N. Doc. A/4354. (in English)

‘Uwāysha, Ḥusayn ibn ‘Uwdah (1423). "Al-Mawsū‘ah al-Fiqhiyyah al-Muyassarrah fī Fiqh al-Kitāb wa al-Sunnah al-Muṭahharah". Beirut: Dār Ibn Ḥazm li-l-Ṭibā‘ah wa al-Nashr wa al-Tawzī‘. (in Arabic)

Zwolinski, Matt; Ferguson, Benjamin; and Wertheimer, Alan (2022). Exploitation, *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, edited by Edward N. Zalta and Uri Nodelman, Edition. Stanford, CA: Metaphysics Research Lab, Stanford University. (in English)

چکیده مبسوط:

Evaluating Digital Child Labor from the Perspective of Imami Jurisprudence and International Human Rights Law

Mahdīyeh Ghanizadeh¹

1. Introduction

In recent years, with the rapid expansion of social media platforms and digital networking services, the phenomenon of *virtual child labor*, commonly referred to as *child influencers*, has grown significantly. This term refers to children whose parents employ them as economic or promotional instruments in cyberspace, while the children themselves have no meaningful role in the decision-making process. According to media practice and the available evidence, this phenomenon

¹. Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Qom, Qom, Iran. E-mail: m.ghanizadeh@qom.ac.ir

predominantly involves children under the age of six (Tosuntaş & Griffiths, 2024; Altun, 2019). These children, often carefully groomed and presented by their parents—particularly their mothers—are directed to produce content for social media platforms. In this form of activity, the parent effectively assumes the role of an employer, compelling the child to create content primarily for financial gain, fame, or popularity, despite the child's inability to comprehend the nature and consequences of such work (Kordbacheh et al., 2024b, p. 122).

Given that parents effectively function as employers in these circumstances, an important legal question arises: to what extent can such conduct be regarded as falling within the scope of their lawful parental authority? At first glance, assigning a child to participate in digital content creation may appear to constitute a form of skill development and to serve the child's best interests. Nevertheless, determining whether such an activity genuinely promotes the child's welfare requires a careful examination of its consequences. Accordingly, the present study examines the scope of parental authority over children in Imami jurisprudence and international human rights law, as well as the extent to which such conduct is compatible with parents' legal responsibilities.

2. Literature Review

With respect to the existing literature, although no independent legal study has specifically examined the legality of child-centered activities in cyberspace, several related studies may be identified. For example, in the study entitled *Child Labor in the Iranian Family Law System from Positive and Negative Perspectives* (Abbasi Kalimani et al., 2023), the authors focused on children's employment in conventional physical occupations. They argued that where a child is engaged in suitable work for educational purposes and income generation, such employment may be regarded as consistent with the child's best interests; conversely, where the activity is harmful, employing the child constitutes a detrimental practice and should therefore be prohibited. However, with respect to children's activities in cyberspace, it is first necessary to examine the consequences of such activities comprehensively before determining whether they are compatible with or contrary to the child's best interests.

In another study entitled *Citizenship Rights and the Prohibition of Child Employment in Hazardous and Harmful Work* (Alavian, 2018), the author argues that educating society about citizenship rights and legal duties can foster a social environment in which not only child labor is regarded as unacceptable, but employers' conduct is also subjected to public scrutiny.

Similarly, in the study *Examining the Status of Child Labor in Iranian Law in Light of Article 4 of the Universal Declaration of Human Rights* (Rahmatifar, 2018), the author contends that the appropriate response to child labor is not its absolute prohibition; rather, only those forms of child labor that place children in conditions analogous to slavery should be prohibited.

The distinguishing feature of the present study, compared with previous research, lies in its focus on children's activities in cyberspace and its assessment of whether such activities serve the child's best interests and, consequently, whether they are lawful from the perspectives of Imami jurisprudence and international human rights law.

3. Methodology

The present study adopts a descriptive–analytical and comparative approach to examine the extent to which the virtual exploitation of children conforms to the criteria of the child's best interests as recognized in Imami jurisprudence and international human rights law.

4. Results and Discussion

The findings of this study indicate, first, that the use of children in digital content creation constitutes a clear form of digital exploitation. Second, from the perspective of Imami jurisprudence, such conduct is incompatible with the essential components of the child's best interests, including the prevention of harm, the promotion of benefit, and the protection of the child's material, spiritual, and psychological needs. Third, this practice is likewise inconsistent with the criteria for assessing the child's best interests as set forth in international human rights instruments. Accordingly, the use of children for digital content creation falls outside the lawful scope of parental authority and lacks legal legitimacy under both Imami jurisprudence and international human rights law. These findings, in turn, underscore the necessity of adopting appropriate legal measures at both the national and international levels to ensure the protection of virtual child laborers (child influencers).

5. Conclusion

The present study, entitled “Evaluating the Phenomenon of Virtual Child Labor from the Perspective of Imami Jurisprudence and International Human Rights Law,” has reached the following conclusions:

First, the use of children by their parents for the purpose of producing content on social media and digital platforms—typically without the child's independent will and primarily to serve the parents' financial or promotional interests—constitutes a clear instance of digital exploitation.

Second, from the perspective of Imami jurisprudence, given that involving children in digital content creation entails numerous harmful consequences while offering no genuine benefit to the child, such conduct exceeds the lawful scope of parental authority. Accordingly, based on the principle of *lā ḍarar* (the rule of no harm), this practice is considered unlawful and devoid of legal legitimacy.

Third, from the perspective of international human rights law, and in light of the criteria governing the best interests of the child, the use of children for digital content creation is incompatible with those interests. This conclusion is supported by several factors, including the involuntary nature of the child's participation, the disregard for the child's authentic identity, the deprivation of unconditional emotional support, digital exploitation, and violations of the child's rights to health and education.

Accordingly, it is essential to develop and enact clear legal regulations governing virtual child labor. Such regulations should require states to adopt effective measures for the prevention of digital exploitation of children, establish appropriate monitoring mechanisms, and impose legal sanctions for violations involving the exploitation of children in digital environments.

Keywords: Digital Exploitation; Imami Jurisprudence; Virtual Child Labor; Best Interests of the Child; International Human Rights Law.

References

Holy Qur'an

- Abbasi Kelimani, Atefeh; Abbasian Arni, Fatemeh; & Shahbazi, Mohammad Hossein. (2022). "Child labor in the Iranian family law system: A positive and negative perspective". *Biannual Journal of Family Jurisprudence and Law*, 28(79), 83–108. **(in Persian)**
- Aghaei, Atefeh & Rezāniyā, Zahra (1398). "A study of the concept of Instagram child-labor in Iran's virtual space." *Child Rights Quarterly*, No. 3, pp. 161–190. **(in Persian)**
- al-Būṭī, Muḥammad Sa'īd Ramaḍān (1385). "Ḍawābiṭ al-Maṣlaḥah fī al-Sharī'ah al-Islāmiyyah." Doctoral dissertation in Principles of Islamic Law, Faculty of Law and Sharī'a, Al-Azhar University. **(in Arabic)**
- al-Shāṭibī, Abū Ishāq (n.d.). "Al-Muwāfaqāt fī Uṣūl al-Sharī'ah." Beirut: Dār al-Ma'rifah. **(in Arabic)**
- Altun, Dilek. (2019). *An investigation of preschool children's digital footprints and screen times, and of parents' sharenting and digital parenting roles*. *International Journal of Eurasia Social Sciences*, 10(35), 76–97. <https://rrpubs.com/index.php/ijoess/article/view/1160> **(in English)**
- ʿĀmilī, Zayn al-Dīn b. ʿAlī (1410). "Al-Rawḍah al-Bahiyyah fī Sharḥ al-Lum'ah al-Dimashqiyyah." Qom: Dāvari Bookshop. **(in Arabic)**
- Ansari, Ghodrattollāh (1429). "Mawsū'ah Ahkām al-Aṭfāl wa Adillatuhā." Qom: Institute of A'immah al-Aṭhār (Aleyhim al-Salām). **(in Arabic)**
- California. (2024). *Assembly Bill No. 1880 (AB 1880): Employment of minors as content creators on online platforms*. California Legislative Information. <https://leginfo.legislature.ca.gov/> **(in English)**
- Clark, Daniel R., and Alisa B. Jno-Charles (2025). The Child Labor in Social Media: Kidfluencers, Ethics of Care, and Exploitation, *Journal of Business Ethics*, Published February 10. <https://doi.org/10.1007/s10551-025-05953-7>. **(in English)**
- Conti, C., & Paolucci, M. (2023). Sharenting: Characteristics and awareness of parents publishing sensitive content of their children on online platforms. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 20(24), Article 11290302. <https://doi.org/10.3390/ijerph20211290302>. **(in English)**

Committee on the Rights of the Child (2013). General Comment No. 14 (2013) on the Right of the Child to Have His or Her Best Interests Taken as a Primary Consideration (Art. 3, Para. 1). CRC/C/GC/14. United Nations, May 29. <https://digitallibrary.un.org/record/778523>. (in English)

Committee on the Rights of the Child. (2009). *General Comment No. 12: The right of the child to be heard*. United Nations. (in English)

France. (2020). *Loi n° 2020-1266 du 19 octobre 2020 visant à encadrer l'exploitation commerciale de l'image d'enfants de moins de seize ans sur les plateformes en ligne*. Légifrance. <https://www.legifrance.gouv.fr/jorf/id/JORFTEXT000042439054> (in English)

Ghazali, Abu Hamid Muhammad ibn Muhammad (1413). “*Al-Mustasfa*”. n.p.: Dar al-Kutub al-‘Ilmiyyah. (in Arabic)

Ḥakīm, Sayyid Muḥsin (1416). “*Al-Mustamsak fī al-‘Urwa al-Wuthqā*.” Qom: Dār al-Tafsīr Institute. (in Arabic)

Ḥillī, Ja‘far ibn al-Ḥasan (1403). “*Al-Ijtihād wa al-Taqlīd (Ma‘ārij al-Uṣūl)*.” Qom: Āl al-Bayt Institute. (in Arabic)

Karkī, ‘Alī b. Ḥusayn (1414). “*Jāmi‘ al-Maqāsid fī Sharḥ al-Qawā‘id*.” Qom: Āl al-Bayt Institute. (in Persian)

Khajīr, Yūsuf & Farmand Khanqashlāqī, Sānāz (1402). “Representation of the virtual life of child influencers on Instagram.: Quarterly Journal of Media Studies & Research, No. 3, pp. 155–183. (in Persian)

Khomeini, Sayyid Ruhollah (n.d.). “*Kitāb al-Bay‘*”. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini’s Works. (in Arabic)

Khū‘ī, Sayyid Abū al-Qāsim (1419). “*Muḥāḍarāt fī Uṣūl al-Fiqh*”. Qom: Islamic Publishing Institution affiliated with the Seminary Teachers’ University of Holy Qom. (in Arabic)

Kordbacheh, Rezā; Savadīān, Parvīn; Shokr-Bīki, ‘Āliyah (1403). “Contexts and conditions for the emergence of the phenomenon of child-labor in virtual space.” *Scientific Quarterly of Strategic Communication Studies*, No. 12, pp. 59–74. (in Persian)

Kordbacheh, Rezā; Savadīān, Parvīn; Shokr-Bīki, ‘Āliyah (1403). “Virtual child-slave: A study of the emerging phenomenon of virtual child labor.” *Iranian Journal of Sociology*, No. 1, pp. 121–146. (in Persian).

Illinois. (2023). *Public Act 103-0556: Child Labor Law amendments regarding minors featured in vlogs*. Illinois General Assembly. <https://www.ilga.gov/legislation/PublicActs/View/103-0556> (in English)

- Lazard, Lisa, Netta Weinstein, Jackie Taylor, and Emma Halliwell (2022). Digital Mothering and Sharenting: An Interpretative Phenomenological Analysis. *Feminism & Psychology* 32, no. 2, 189–206. <https://doi.org/10.1177/09593535221083840>. **(in English)**
- Lynn, Amber (2023). Kidfluencing: The Mental Impacts of Posting on Social Media Can Have on Children and Parents: How Social Media Presence Can Have Mental Impacts on Children and Parents. *Research Archive of Rising Scholars*, preprint. <https://doi.org/10.58445/rars.537>. **(in English)**
- Makārim-Shīrāzī, Nāsir (1428). “Al-‘Urwah al-Wuthqā with annotations.” Qom: Imam ‘Alī b. Abī Ṭālib School. **(in Arabic)**
- Makārem Shīrāzī, Nāṣir (1424). “Kitāb al-Nikāḥ”. Qom: Madrasat al-Imām ‘Alī ibn Abī Ṭālib. **(in Arabic)**
- Marāghī, Sayyid Mīr ‘Abd al-Fattāḥ (1417). “Al-‘Anāwīn al-Fiqhiyyah.” Qom: Office of Islamic Publications affiliated with the Society of Teachers of the Qom Seminary. **(in Arabic)**
- Murūj Jazā’irī, Sayyid Muḥammad Ja‘far (1416). “Ḥadī al-Ṭālib fī Sharḥ al-Makāsib.” Qom: Dār al-Kitāb. **(in Arabic)**
- Najafī, Muḥammad Ḥasan (n.d.). “Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā‘i‘ al-Islām.” Beirut: Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī. **(in Arabic)**
- Narāqī, Mullā Aḥmad (1415). “Mustanad al-Shi‘ah fī Aḥkām al-Sharī‘ah.” Qom: Āl al-Bayt Institute. **(in Arabic)**
- Qārī-Seyyed Fāṭemī, Sayyid Muḥammad (1374). “Child marriage: Examination of jurisprudential foundations and comparison/application with Iranian law and international instruments.” *Mofid Quarterly*, No. 2, pp. 129–154. **(in Persian)**
- Qāsemzādeh-Borkī, Sārā; Manteqī, Morteza Manteqī; Mohammadi, Maryam (1399). “Examining motivations for the exploitation of children by blogger mothers and the mental health of their children in virtual space.” *Quarterly Journal of Research in Psychological Health*, (issue not given), pp. 34–49. **(in Persian)**
- Roemer, John E (1985). Should Marxists Be Interested in Exploitation?, *Philosophy & Public Affairs* 14, no. 1, 30–65. **(in English)**
- Sabzavārī, Sayyid ‘Abd al-A‘lā (1413). “Muḥadhdhab al-Aḥkām fī Bayān al-Ḥalāl wa al-Ḥarām.” Qom: Al-Manār Institute. **(in Arabic)**
- Subḥānī, Ja‘far (1431). “*Aḥkām al-Bay‘ fī al-Sharī‘ah al-Islāmiyyah al-Gharra’*”. Qom: Imam Ṣādiq Educational and Research Institute. **(in Arabic)**

Tosuntaş, Şule Betül, Griffiths, Mark D (2024). *Sharenting: A systematic review of the empirical literature. Journal of Family Theory & Review*, 16(3), 525–562. <https://doi.org/10.1111/jftr.12566> **(in English)**

Tosuntaş, Şule Betül, Mustafa Koc, and Eylem Ozkara (2024). Sharenting and the Commodification of Children: A Systematic Review. *Journal of Family Theory & Review* 16, no. 1, 21–39. <https://doi.org/10.1111/jftr.12566>. **(in English)**

United Nations (1998). *Convention on the Rights of the Child*. November 20. United Nations Treaty Series 1577: 3. **(in English)**

United Nations General Assembly (1959). *Declaration of the Rights of the Child*. GA Res. 1386 (XIV), U.N. Doc. A/4354. **(in English)**

‘Uwāysha, Ḥusayn ibn ‘Uwdah (1423). "Al-Mawsū‘ah al-Fiqhiyyah al-Muyassarah fī Fiqh al-Kitāb wa al-Sunnah al-Muṭahharah". Beirut: Dār Ibn Ḥazm li-l-Tibā‘ah wa al-Nashr wa al-Tawzī‘. **(in Arabic)**

Zwolinski, Matt; Ferguson, Benjamin; and Wertheimer, Alan (2022). Exploitation, *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, edited by Edward N. Zalta and Uri Nodelman, Edition. Stanford, CA: Metaphysics Research Lab, Stanford University. **(in English)**